

روابط معنایی فعل «گرفتن» در زبان فارسی: رویکرد معنی‌شناسی قالب‌بنیاد فیلمور (۱۹۹۷)

منصوره دلارامی فر

دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

پاکزاد یوسفیان^۱

استادیار گروه ادبیات و زبان انگلیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

محمد اله بخش

استادیار گروه کامپیوتر دانشگاه زابل

عباسعلی آهنگر

دانشیار گروه ادبیات و زبان انگلیسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۴/۲۰؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۶/۶/۱۰

چکیده

از آنجایی که افعال یکی از مهم‌ترین بخش‌های زبان هستند به‌طوری‌که اکثر اعمال، فعالیت‌ها و حالت‌ها از طریق فعل در جمله مشخص می‌گردد، این پروژه بر آن است که ساختار فعل «گرفتن» را در سه مفهوم «دریافت کردن»، «خریدن» و «درک کردن»، در یک شبکه معنایی قالب‌بنیاد مورد بررسی قرار دهد و روابط میان آنها را اثبات نماید. برای به دست آوردن کلیه معانی فعل «گرفتن» از فرهنگ بزرگ سخن و مفاهیم اصلی این فعل از مقاله «شبکه معنایی فعل گرفتن بر اساس انگاره چندمعنایی اصول‌اند» استفاده شده است و روابط میان مفاهیم آن از طریق شبکه معنایی قالب‌بنیاد بررسی و ترسیم گردید. در مقاله حاضر پیکره مورد بررسی، متن‌ها و نقطه نظرات بیان‌شده در شبکه‌های اجتماعی می‌باشند. پژوهش حاضر با در نظر گرفتن طبقه‌بندی‌ها و مفاهیم مطرح‌شده برای فعل «گرفتن»، به کشف روابط معنایی میان سه مفهوم فوق‌الذکر از طریق شبکه معنایی قالب‌بنیاد این فعل پرداخته است. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از این است که هر فعل، قالب معنایی مشخصی دارد و موضوعات فعل مشارکان آن رویداد می‌باشند که در ایجاد قالب معنایی نقش عمده ایفا می‌نمایند. از طرفی بر طبق شبکه معنایی فیلمور بسیاری از افعال چندمعنا علاوه بر دارا بودن قالب‌های معنایی مختلف، دارای اجزاء هسته‌ای یکسان می‌باشند که این اجزاء دربرگیرنده نقش‌های موقعیتی هر فعل هستند و رابطه میان مفاهیم مختلف آن را نشان می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: شبکه معنایی قالب‌بنیاد، قالب، فعل گرفتن، طرح‌واره، نشانه‌گذاری، اجزاء هسته

۱- مقدمه

با توجه به اینکه فعل نقش مهمی در تفسیر معنا دارد و موضوعات افعال مشارکان موردنیاز هر فعل را نشان می‌دهد، مطالعه ساختار موضوعی فعل و رفتار نحوی آن، دانشی پایه برای برنامه‌های پردازش زبان طبیعی^۱ هوشمند فراهم خواهد کرد (لوین^۲، ۲۰۱۱). در حوزه معنی‌شناسی واژگانی نیز مقوله فعل دارای اهمیت ویژه‌ای است به طوری که می‌توان مهم‌ترین مقوله واژگانی و نحوی هر زبان را فعل نامید، زیرا مشخص‌کننده چارچوب معنایی جمله و روابط موجود در آن است (عموزاده، کریمی‌دوستان و شریف، ۱۳۹۵: ۱۱۸). میلر و فلبام^۳ (۱۹۹۱) معتقدند که با توجه به اینکه ذهن اهل زبان دارای اطلاعات نحوی و معنایی فراوانی از افعال موجود در بخش واژگان است، این مقوله واژگانی پیچیدگی‌هایی دارد و وجود واژه‌های چندمعنا بر دشواری آن می‌افزاید. چندمعنایی یکی از بحث‌برانگیزترین حوزه‌های پژوهش در حوزه معنی‌شناسی است. ویژگی اصلی افعال چندمعنا وجود تنوع معنایی که در بین این معانی ارتباط و نقاط مشترک به وجود می‌آورد (همان).

از آنجایی که ارتباط معنایی در بین مفاهیم افعال چندمعنا از اهمیت بسیاری برخوردار است، پژوهش حاضر بر آن است که فعل «گرفتن» که از قالب‌های معنایی مرتبط تشکیل می‌شود را مورد بررسی قرار دهد. بدین صورت که معانی مختلف فعل «گرفتن» را از فرهنگ لغت سخن (انوری، ۱۳۸۱) به دست آورد و با توجه به تقسیم‌بندی و تعیین اولویت بیان‌شده در عموزاده، کریمی‌دوستان و شریف (۱۳۹۵)، معنی اصلی را از سایر معانی جدا سازد و رابطه میان سه معنی «دریافت کردن»، «خریدن» و «درک کردن» که از پیکره زبانی برگرفته از شبکه‌های اجتماعی تویتر و یوتیوب جمع‌آوری شد را با استفاده از نظریه معنی‌شناسی قالب‌بنیاد فیلمور (۱۹۹۷) از طریق نمودار مشخص نماید. شبکه معنایی قالب‌بنیاد^۴ (فیلمور^۵، ۱۹۷۶)، شبکه‌ای است که معنی یک واژه را با توجه به ساختار مفهومی (قالب^۶) آن واژه مشخص ارائه می‌دهد. فیلمور (۱۹۷۶) معتقد است که معناشناسی قالبی^۷ یک روش اصولی برای ارتباط بین تحلیل‌های زبانی و دانش بشر از هر بخش زبان است. از آنجایی که از طریق معناشناسی قالبی و همچنین نظریه

^۱ Natural Language Process

^۲ Levin

^۳ Miller and Fellbaum

^۴ Framenet

^۵ Filmore

^۶ frame

^۷ frame semantics

قالب‌بنیاد فیلمور می‌توان رابطه میان معانی مختلف یک واژه چندمعنا را بررسی نمود و به تصویر کشید، نگارنده بر آن است که با استفاده از این نظریه نشان دهد که بسیاری از معانی افعال چندمعنا علی‌رقم فاصله معنایی که با یکدیگر دارند در سطحی از معنی با یکدیگر یکسان می‌باشند که این یکسانی باعث می‌گردد که معانی مختلف افعال چندمعنا توسط بشر قابل‌درک باشند. این روابط معنایی از وجود اجزاء هسته یکسان در بین قالب‌ها سرچشمه می‌گیرد که تاکنون به این تشابه در بین مفاهیم مختلف افعال چندمعنا کمتر پرداخته شده است.

با توجه به هدف اصلی مقاله حاضر که بررسی فعل زبان فارسی «گرفتن» بر اساس شبکه معنایی قالب‌بنیاد فیلمور (۱۹۹۷) است، این مقاله در پی یافتن ارتباط معنایی میان مفاهیم مختلف افعال چندمعنا و تعیین نقش اجزاء قالب هر فعل در درک معنی این‌گونه افعال است.

وجود رابطه میان مفاهیم مختلف افعال چندمعنا و تأثیر اجزاء قالب بر درک مفاهیم آنها، فرضیاتی است که از طریق معنی‌شناسی قالب‌بنیاد فیلمور (۱۹۹۷) به دنبال کشف آن هستیم.

۲- پیشینه پژوهش

پدیده چندمعنایی در زبان را زبان‌شناسان از نقطه نظرات متفاوت مورد بررسی قرار داده‌اند که در بین آنها شباهت‌هایی دیده می‌شود. پالمر^۱ (۱۹۷۶) معتقد است که اگر به لحاظ ریشه‌شناسی مشخص شود که صورت‌های مشابه از ریشه یکسانی اشتقاق یافته‌اند، چندمعنایی صورت گرفته است. به اعتقاد هارفورد و هسلی^۲ (۱۹۸۳) پدیده چندمعنایی زمانی مطرح می‌گردد که یک واژه چند معنی مرتبط و بسیار نزدیک به هم داشته باشد.

صفوی (۱۳۸۰) به بیان معنی اولیه اهل زبان برای توجیه مسئله چندمعنایی در زبان پرداخته است و بی‌نشان‌ترین معنی یک واژه را معنی اولیه آن نامیده است که افزایش و کاهش معنی در هر واژه سبب نشان‌دار شدن معنی آن واژه می‌شود.

در واژه‌های هم‌معنی و چندمعنایی با توجه به شباهتی که دارند می‌توان تفاوت‌هایی نیز یافت (حسابی، ۱۳۹۵: ۳). بیان قالب‌های معنایی می‌تواند تا حدی وجود چندمعنایی و

1. Palmer

2. HorFord and Heasley

ارتباط بین معانی را توجیه نماید و نشان دهد که در ذهن اهل زبان چه فرایندهایی رخ داده است که باعث ایجاد ارتباط معنایی در بین مفاهیم یک واژه شده است. در سال ۱۹۶۸ فیلمور نظریه دستور حالت را مطرح کرد و در سال ۱۹۷۱ با ورود به دانشگاه برکلی، نظریه حالت به یک نظریه شناختی کامل‌تری به نام نظریه معنی‌شناسی قالب‌بنیاد (۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۸۲ و ۱۹۸۵) گسترش یافت که بر اساس این نظریه معنا را می‌توان در چارچوب مفاهیم و مشارکان ذهنی موجود در اذهان گویندگان و مخاطبین، مورد مطالعه قرار داد. در سال ۲۰۰۱ در موسسه بین‌المللی علوم رایانشی به انجام پروژه شبکه معنایی قالب‌بنیاد پیوست. در این پروژه توصیف ساختاری از واژه‌های زبان انگلیسی ارائه می‌شود و مبتنی بر نظریه معنی‌شناسی قالب‌بنیاد فیلمور (۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۸۲ و ۱۹۸۵) است. به همراه فیلمور، افرادی از قبیل بیکر^۱، پتروک^۲، اتکینز^۳ در ساخت شبکه معنایی قالب‌بنیاد نقش به‌سزایی ایفا نمودند. فیلمور و اتکینز (۱۹۹۲، ۱۹۹۴)، فیلمور (۱۹۹۴) و اتکینز (۱۹۹۴، ۱۹۹۵) در تعدادی از مقاله‌هایی که در ارتباط با توصیف واژگانی و فرهنگ‌نویسی است، اهمیت وقت معنانشناسی قالب‌بنیاد را شرح دادند. آنها درحالی‌که بعضی از ابعاد عملی در فرهنگ‌نویسی را مخاطب قرار دادند، پژوهش‌هایشان متکی بر مفهوم قالب‌ها جهت سازمان‌دهی اصولی برای واژگان به‌عنوان یک ساخت نظری بود (پتروک، ۱۹۹۶). در ارتباط با ساخت واژگان، پتروک (۱۹۸۶) به ارزیابی و گسترش رویکرد معنانشناسی قالبی از طریق شرح کاربردهای آن در بخش واژگان یک زبان پرداخت. وی اصطلاحات اعضای بدن را با استفاده از طرح‌واره‌های ذهنی که دانشی است مشترک و تجربی برای بشر، در زبان هربو^۴ مورد بررسی قرار داد. در زبان فارسی بررسی واژه‌های چندمعنا با رویکرد شناختی صورت گرفته است که از این میان می‌توان به پژوهش‌های فیاضی و همکاران (۱۳۸۷)، فیاضی (۱۳۸۸) و عموزاده و سلطانی (۱۳۹۱) اشاره کرد که ایشان به بررسی چندمعنایی با رویکرد شناختی و با استفاده از مفهوم استعاره پرداخته‌اند و از طرفی عموزاده و بهرامی (۱۳۹۱) به بررسی ساخت افعال سبک با کمک سازوکار طرح‌واره و بر اساس زبان‌شناسی شناختی پرداخته‌اند اشاره کرد. گلفام و همکاران (۱۳۹۱) نیز به بررسی فضای معنایی فعل «شدن» با رویکردی شناختی پرداخته‌اند.

1. Baker
2. Petruk
3. Atkins
4. Herbo

کریمی‌دوستان و روحی بایگان (۱۳۹۵) با هدف بررسی چندمعنایی فعل سبک «زدن» بر مبنای نظریه «معنی‌شناسی واژگانی شناختی»، در واقع نشان داد که چندمعنایی فعل سبک «زدن» بر مبنای بررسی فعل سنگین متناظر آن، پدیده‌ای نظام‌مند بوده و سازوکارهای شناختی نظیر مقوله‌بندی، استعاره مفهومی و طرح‌واره‌های تصویری در شکل‌گیری معانی مختلف این عنصر زبانی در قالب یک مقوله شعاعی نقش اساسی دارند. از یافته‌های این مقاله اثبات تأثیر معنای فعل سبک بر با هم‌آیی این افعال با اجزاء پیش‌فعلی در ساخت افعال مرکب است.

بررسی چندمعنایی فعل گرفتن بر اساس انگاره چندمعنایی اصول‌مند تایلر و ایونز (۲۰۰۱) که یک رویکرد شناختی است در زبان فارسی توسط عموزاده، کریمی‌دوستان و شریف (۱۳۹۵) انجام شده است. در این مقاله از میان معانی متعدد برای فعل «گرفتن» تنها یک معنی را معنی اصلی قرار داده‌است و معانی دیگر را با سازوکارهایی همچون استعاره، مجاز و تبدیل طرح‌واره از این معنی قابل بسط یا اشتقاق بیان کرده است. نائبلو، عاصی و افراشی (۱۳۹۳) شبکه معنایی قالب‌بنیاد برای واژگان عواطف (شادی و علاقه) با استفاده از صفات زبان فارسی ایجاد نمودند. در این مقاله قالب‌هایی از قبیل اجتماعی بودن، محرک محور، تجربه‌گر محور و غیره برای صفات در نظر گرفته شد و در نهایت جملات بکار برده شده نشان‌گذاری شده و ظرفیت هر قالب مشخص گردید.

۳- چارچوب نظری پژوهش

قالب از دیدگاه نظریه قالب‌بنیاد، نظامی از مفاهیم است که جهت درک هر کدام از مفاهیم نیاز به فهم کل مفاهیم موجود در این نظام است و با اشاره به هر یک از مفاهیم، کلیه آنها در ذهن افراد فعال می‌گردند. در معناشناسی قالب‌بنیاد هر واژه تجربه‌ای را در جهان خارج بازنمایی می‌کند (پتروک، ۱۹۶۶: ۱). در معنی‌شناسی حالت، فیلمور نقش‌های معنایی را مطرح می‌کند، درحالی‌که معنی‌شناسی قالب‌بنیاد، نقش موقعیتی موردنظر گوینده است. موقعیت نیز کلیه مشخصه‌هایی است که موقعیت وقوع فعل را می‌سازند (پتروک، ۲۰۱۳).

فیلمور در دستور حالت فهرست از نقش‌های معنایی را با عناوینی همچون حالت فاعلی^۱، حالت تأثیرپذیر^۲، حالت مکانی^۳، حالت وسیله‌ای^۴، حالت مفعولی^۱ و حالت

1. Agenitive

2. Dative

3. locative

4. instrumental

تحقیقی^۲ نام برد (دبیر مقدم، ۱۳۸۹) که در نظریه قالب‌های معنایی نیز از این حالت‌ها در بخش تحلیل معنایی قالب‌ها و واحدهای واژگانی استفاده نموده است. در ایجاد یک شبکه قالبی، هر صفحه قالب شامل (۱) تعریف^۳، (۲) اجزای قالب هسته و غیر هسته^۴، (۳) روابط میان قالبی^۵، (۴) واحدهای واژگانی^۶ می‌شود. فیلمور قالب «تبادل تجاری»^۷ را در افعال مثال زد و به دنبال این بود که اطلاعات نحوی و معنایی آنها را در یک مجموعه به‌طور مرتب قرار دهد. قالب «تبادل تجاری» در زبان انگلیسی با ویژگی‌هایی که در جدول (۱) آمده است، توسط فیلمور (۱۹۷۷) مطرح گردید. این قالب معنایی به‌صورت یک سناریو درک می‌شود که در آن یک شخص قصد کنترل و مالکیت بر چیزی از جانب شخص دوم را دارد و این مالکیت توافقی است. درازای آن می‌توان مقداری پول دریافت نمود. پس‌زمینه این جریان نیازمند درکی از ویژگی‌های مالک، اقتصاد پول، قرارداد تلویحی و یک سری موارد دیگر است. این طرح‌واره، بسیاری از ویژگی‌های ساختاری یک چهارچوب مبادلاتی را منضم می‌کند؛ اما جایگاه جزئیات موارد درونی هر قالب از جنبه‌هایی متفاوت مشخص می‌گردد. در این طرح‌واره اجزای از قبیل خریدار، فروشنده، کالا و پول، مفاهیم حتمی در هر تبادل تجاری است. خلاصه‌ای از یک قالب معنایی به شرح زیر است:

جدول (۱) قالب معنایی تبادل تجاری در شبکه معنایی قالب‌بنیاد فیلمور (فیلمور، ۱۹۹۲)

قالب: تبادل تجاری

عناصر قالبی: خریدار، فروشنده، کالا، پرداخت

مفهوم: خریدار کالا را دریافت می‌کند و فروشنده پول را دریافت می‌کند

در جدول (۱) قالب معنایی تبادل تجاری و اجزاء مفهومی تشکیل‌دهنده آن مشخص شده است و در ردیف آخر مفهوم تبادل تجاری از طریق اجزاء تشکیل‌دهنده توصیف گردیده است. هرکدام از این اجزاء خودشان یک قالب معنایی و حاوی عناصر هسته و غیر هسته می‌باشند. برای مثال کالا^۸ به‌عنوان یکی از اجزاء معنایی تبادل تجاری، خودش دارای اجزاء معنایی جداگانه است.

1. objective
2. factual
3. definition
4. core and non-core features
5. frame-to-frame relations
6. lexical units
7. commercial transaction
8. goods

پس از نشان دادن قالب معنایی به صورت جدول (۱) وی به بیان ظرفیت‌های موجود در اجزاء واژگانی با شرح مثال‌هایی می‌پردازد که در جدول (۲) خلاصه‌ای از این ظرفیت‌ها بیان گردیده است.

جدول (۲) ظرفیت معنایی و نحوی افعال در قالب تبادل تجاری (فیلمور و بیکر، ۲۰۰۲)

خریدار	فروشنده	کالا	پول
خریدن	از فاعل	مفعول مستقیم	برای
فروختن	فاعل	مفعول مستقیم	برای

در جدول (۲) ویژگی‌های نحوی و معنایی اجزاء قالب شرح داده شده است که به لحاظ مفهومی هر یک از اجزا نقش‌های فوق را ایفا می‌کنند. خریدار فاعل فعل «خریدن» و فروشنده دریافت کننده از فاعل است. کالا مفعول مستقیم و فرایند خریدن برای دریافت پول صورت می‌گیرد. در فعل «فروختن» خریدار مفعول فعل بوده و فروشنده فاعل است. کالا بازم مفعول مستقیم است که فرایند فعل خریدن برای پول صورت می‌گیرد. آنچه مشترک بین دو واحد واژگانی خریدن و فروختن است اجزاء هسته می‌باشند؛ مانند آنچه در جدول (۲) آمده است. در واقع با بیان چنین نظریه‌ای فیلمور قصد دارد تا بازنمایی یکپارچه از معنای کلمه، جمله و متن در یک شبکه معنایی ایجاد نماید (پتروک، ۱۹۹۶).

شبکه معنایی قالب‌بنیاد تلاش دارد تا به توصیف ساختار موضوعی واحدهای واژگانی مانند آنچه حالت و نقش معنایی تتا نامیده می‌شود بپردازد که در این پروژه تحت عنوان اجزاء قالب^۱ مطرح می‌گردد. اجزاء قالب دو نوع هستند:

الف) اجزاء هسته

- اجزاء هسته قالب تبادل تجاری: خریدار، کالا، پول، فروشنده

ب) اجزاء غیرهسته

- اجزاء غیرهسته قالب تبادل تجاری: هدف، قیمت، واحد (واحد اندازی گیری)

همان‌طور که مفاهیم در ذهن اهل زبان دارای ارتباط با یکدیگر و جهان خارج هستند، قالب‌ها نیز با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند. این ارتباط در اشکال متفاوت در میان قالب‌های معنایی وجود دارد (روپنهور و دیگران، ۲۰۱۰). روابط بینا قالبی در شبکه قالب‌بنیاد به در جدول ذیل مطرح گردیده‌اند:

^۱. frame elements

جدول (۳) انواع روابط میان قالبی (روپنهوفر و همکاران، ۲۰۱۶: ۸۰)

نوع رابطه	قالب بالای نمودار	قالب پایین نمودار
توارث ^۱	والدین	فرزند
استفاده از ^۲	والدین	فرزند
دارای دیدگاه در ^۳	خنثی	دارای دیدگاه
قالب فرعی ^۴	پیچیده	جزئی
تقدم ^۵	مقدم	مؤخر
حالت گرفته از ^۶	دارای حالت	بیانی

در جدول (۳) نوع روابط مطرح گردیده است و رابطه هر گره با گره پایین و بالای خود مشخص شده است. قالب‌ها با توجه به مفاهیم‌شان از طریق یک یا چند مورد از روابط فوق با یکدیگر در ارتباط هستند. برای مثال، «انتقام گرفتن» از قالب «تشویق و تنبیه» به ارث برده می‌شود.

در شبکه قالب‌بنیاد، مرحله نهایی بیان واحدهای واژگانی قالب مورد نظر و نشان‌گذاری جملات دارای این واحدهای واژگانی است. واحد واژگانی واژه‌هایی هستند که دارای مفاهیم و پس‌زمینه مشترک با قالب‌های معنایی یکسان می‌باشند (فیلمور و بیکر، ۲۰۰۹). واحدهای واژگانی قالب revenge به معنی «انتقام گرفتن» در زبان انگلیسی در شبکه قالب‌بنیاد فیلمور، انتقام گرفتن، تلافی کردن، مجازات کردن، خونخواهی کردن، کینه‌جویی کردن، دادگیری کردن، برگرداندن است.

۴- ساختار شبکه معنایی قالب‌بنیاد فعل «گرفتن»

این تحقیق بر طبق ساختار شبکه معنایی قالب‌بنیاد، قالب‌های معنایی فعل «گرفتن» و روابط میان آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهد که در این بخش به بحث و بررسی آن می‌پردازیم. هدف از بررسی مفاهیم فعل «گرفتن» بر اساس شبکه معنایی قالب‌بنیاد، نشان دادن ارتباط میان مفاهیم مختلف یک فعل چندمعنا در ذهن بشر از طریق رسم نمودار است. شریف (۱۳۹۴) بر اساس انگاره چندمعنایی اصول‌مند ۸ معنی فعل «گرفتن» را به‌عنوان معانی اصلی در نظر گرفت که عموزاده، کریمی‌دوستان و شریف (۱۳۹۵: ۱۲۲) یکی از معانی را به‌عنوان معنی سرنمون مشخص کرده‌اند و معتقدند که

1. inheritance
2. using
3. perspective on
4. subframe
5. precede
6. inchoative of

سایر معانی با سازوکارهایی همچون استعاره، مجاز و تبدیل طرح‌واره از این معنی قابل بسط یا اشتقاق هستند. این ۸ معنی به قرار زیر است^۱ و معنی شماره ۱ معنی اصلی فعل گرفتن است:

۱. دریافت کردن
- ۱) نامه را از نام‌رسان گرفتم (عموزاده، کریمی‌دوستان و شریف، ۱۳۹۵: ۱۲۴)
۲. نگاه‌داشتن
- ۲) بچه او را باید گرفت و به زندان کرد (ص. ۱۲۷)
۳. اثر گذاشتن
- ۳) فیلم از همان اول می‌گیردمان (ص. ۱۲۹)
۴. پوشاندن
- ۴) آب همه حیاط را گرفت (ص. ۱۳۰)
۵. وضع یا حالتی پیدا کردن
- ۵) پیش از آنکه مهربانو بتواند بر اضطرابی که به او دست داده بود غلبه کند و قیافه آرامی بگیرد... من پیش‌دستی کردم و گفتم... (ص. ۱۳۲)
۶. فرض یا تلقی کردن
- ۶) چقدر او را ساده گرفته بودم (ص. ۱۳۳)
۷. اجرا کردن و انجام دادن
- ۷) روزه گرفت (ص. ۱۳۵)
۸. شروع
- ۸) یک‌دفعه تگرگ گرفت (ص. ۱۳۵)

مثال‌های ۱-۸ به کاربرد هر یک از مفاهیم فعل «گرفتن» است که در جملات مختلف معانی متفاوت دارد. در شبکه فارس نت برای فعل گرفتن ۲۰ معنی در نظر گرفته شده است که هرکدام از آنها در انگاره چندمعنایی اصول‌مند فعل «گرفتن» (عموزاده، کریمی‌دوستان و شریف، ۱۳۹۵) در یکی از طبقات فوق‌الذکر قرار گرفته است. بر اساس داشته‌های فوق در ارتباط با فعل «گرفتن» و با توجه به تعاریفی که از فرهنگ بزرگ سخن (۱۳۸۱) در اختیار داریم انگاره معنایی این فعل با مفهوم «دریافت کردن» بر اساس شبکه معنایی قالب‌بنیاد به صورت زیر خواهد بود:

^۱ فعل «گرفتن» دارای معانی بسیار است که به دلیل ارتباط معنایی بسیار در برخی از معانی، شریف (۱۳۹۴) ۸ معنی را متمایز اصلی در نظر گرفته است و بقیه معانی را زیرمجموعه ۸ معنی اصلی در نظر گرفته است.

الف- تعریف قالب

در معنی‌شناسی قالبی، معنای واژه، در ارتباط با قالب پس‌زمینه خودش و بدون ارتباط با واژه‌های دیگر، تعریف می‌شود. معنای واژه به صورت طرح‌واره‌هایی متکی بر تجربه است که در جهان شکل می‌گیرد و این طرح‌واره‌ها، همان قالب‌ها هستند (روپنهور و دیگران، ۲۰۱۶).

قالب: گرفتن (دریافت کردن)

تعریف

چیزی، از عنصر مبدایی حرکت نماید و توسط عنصر مقصد دریافت شود. عمل دریافت کردن چیزی (فارس‌نت). این قالب دارای اجزاء دریافت‌کننده، ارسال‌کننده و کنش‌پذیر^۱ (هر شی ملموس یا انتزاعی) است.^۲

ب- اجزاء قالب

فیلمور (۱۹۶۷) هریک از اجزاء قالب را بر اساس نقش‌های معنایی، کنش (کنشگر، پذیرنده، ابزار)، حرکت و مکان (کنش‌پذیر، مکان، مبدأ، مقصد و مسیر) و تجربه (تجربه‌گر، محرک، محتوی) و غیره مطرح نموده است که برخی اجزاء هسته و برخی اجزاء غیر هسته می‌باشند. برای مثال قالب «حمل‌ونقل» در حوزه حرکت، دارای حرکت‌کننده، ابزار حمل و مسیر است. تک‌تک قالب‌های فرعی^۳ که با این قالب دارای رابطه توارث هستند، نقش‌های معنایی یا اجزاء قالبی مذکور را دارند (فیلمور، ۱۹۴۷)؛ بنابراین حرکت‌کننده، ابزار حمل و مسیر اجزاء هسته قالب هستند و مفاهیمی از قبیل زمان، هدف، محرک و غیره اجزاء فرعی قالب می‌باشند. همان‌طور که در چهارچوب نظری این پژوهش بیان گردید، هر قالب دارای دو نوع اجزاء است: اجزاء هسته و اجزاء غیر هسته. این اجزاء در قالب فعل «گرفتن» همراه با مثال‌های مربوط به هر یک از اجزاء که با خط زیرین مشخص شده است، به شرح زیر می‌باشند؛

اجزاء هسته

پذیرا: موجودی که کنش‌پذیر به وی تعلق می‌گیرد؛ مانند:

۹) اولین فرد حاضر در جلسه پاداش قابل توجهی گرفت که دیگران به وجد آمدند.

^۱. Theme

^۲. در شبکه هریک از اجزاء با یک رنگ مشخص می‌گردد که در جملات نمونه هر سازه‌ای که نقش این اجزاء را ایفا می‌کند مشخص باشد.

^۳. subframe

کنش‌پذیر: شی ای که تغییر مالکیت بر روی آن انجام می‌شود؛ مانند:
(۱۰) (من) نامه را از نامه‌رسان گرفتم.

اجزاء غیر هسته

زمان: زمان دریافت کنش‌پذیر؛ مانند:

(۱۱) دیروز من کتاب‌ها را در کلاس از آنها گرفتم.

مکان: مکان دریافت کنش‌پذیر؛ مانند:

(۱۲) دیروز من کتاب‌ها را در کلاس درس از آنها گرفتم.

علت: دلیل انجام فعل؛ مانند:

(۱۳) به‌شدت سرماخورده بود و من رفتم و قرص‌هایش را از داروخانه گرفتم.

هدف: هدفی که به‌طور عمدی برای انجام عملی در نظر گرفته می‌شود؛ مانند:

(۱۴) نامه را از نامه‌رسان گرفت تا اول خوش بداند چه اتفاقی افتاده است.

ارسال‌کننده؛ مانند:

(۱۵) پدرم نامه سرگشاده‌ای از مدیر مدرسه گرفته بود.

شرایط: هر موقعیتی که در هنگام انجام قالب بیان‌شده در پیش‌زمینه آن در حال جریان

است؛ مانند:

(۱۶) درحالی‌که قیمت‌ها به‌شدت بالا رفته بود، من همه کتاب‌ها را تحویل گرفتم.

روش: شیوه‌ای که در آن کنشگر به‌طور عمدی نقش ایفا می‌نماید؛ مانند:

(۱۷) با بررسی بسیار توانستم سود پولم را بگیرم.

نتیجه: حالتی که هم دریافت‌کننده و هم کنش‌پذیر بعد از انجام فعل در آن قرار

می‌گیرند؛ مانند:

(۱۸) بعد از گرفتن آن، شما نباید هیچ‌گونه تبلیغاتی انجام دهید.

منبع: فرد یا مکانی که کنش‌پذیر قبل از ارسال به آن تعلق داشته است؛ مانند:

(۱۹) بار را از پستچی گرفتم.

مثال‌های ۹-۱۹ هر یک از نقش‌های معنایی اجزاء هسته و غیر هسته را در جمله

مشخص کرده است. مثال‌ها برگرفته از شبکه‌های اجتماعی تویتر و یوتیوب است.

پ- روابط میان قالبی

توارث از: محرک یک‌سویه، طرح‌واره ردوبدل کردن

به ارث برده می‌شود به‌وسیله: گردآوری کردن، خریدن، وصول کردن، دریافت کردن، تحویل گرفتن، تصاحب کردن، پذیرفتن
حالت گرفته از: مالکیت

ت- واحدهای واژگانی

تحویل گرفتن، دریافت کردن، تصاحب کردن، اقتباس کردن، سلب کردن، بازداشت کردن، پذیرفتن، برداشتن، اتخاذ کردن، اکتساب کردن، وصول کردن

ث- نشان‌گذاری واحدهای واژگانی:

در این قسمت برای هرکدام از واحدهای واژگانی یک جمله به همراه نشانه‌گذاری نحوی و معنایی آن بیان می‌گردد. شایان ذکر است که در شبکه معنایی قالب‌بنیاد فعل فارسی چندین جمله نشانه‌گذاری شده و ظرفیت هر فعل مشخص می‌گردد. برای مثال واحد واژگانی «تحویل گرفتن»:

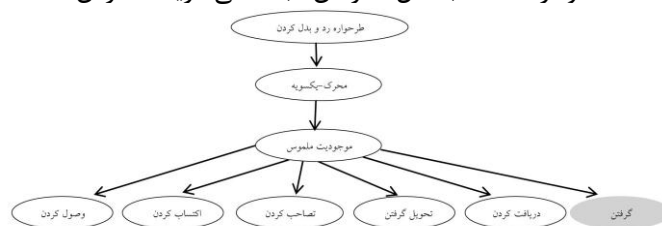
جدول (۴) نقش‌های نحوی و معنایی

منبع	جمله نشانه‌گذاری شده
۱	مجموعه اسمی، فاعل، پذیرا [مجموعه اسمی، مفعول، کنش‌پذیر این تبلت را] [مجموعه حرف اضافه، مفعول حرف اضافه، کنش‌بر از پستیچی] گرفت [سم مطابقت با فاعل محذوف]
۲	مجموعه اسمی، قید، زمان سه روز متوالی [مجموعه اسمی، مفعول، کنش‌پذیر کتاب‌های مرکز را] [مجموعه اسمی، نقش فاعلی، پذیرا بنده] می‌گرفت [سم مطابقت با فاعل محذوف]
۳	مجموعه اسمی، فاعل، پذیرا کارمندان محترم این بخش [مجموعه حرف اضافه، قید، زمان در کل روز] فقط [مجموعه اسمی، مفعول، کنش‌پذیر سه پاکت] [مجموعه حرف اضافه، مفعول حرف اضافه، مبدأ از بخش درآمدها] گرفت [سند مطابقت با فاعل]
۴	مجموعه حرف اضافه، قید، مکان در کتابخانه [مجموعه اسمی، مفعول، کنش‌پذیر تمام کتاب‌های مربوط به نقاشی را] گرفت و خواند [مطابقت با فاعل محذوف]
۵	مجموعه اسمی، فاعل، پذیرا استادم [مجموعه حرف اضافه، مفعول حرف اضافه، هدف برای مطالعه بیشتر این منبع]، [مجموعه اسمی، مفعول، کنش‌پذیر آن را] [مجموعه حرف اضافه، مفعول حرف اضافه، مقصد برای من] [مجموعه حرف اضافه، مفعول حرف اضافه، مبدأ از مرکز مطالعات] گرفت [مطابقت با فاعل]
۶	مجموعه اسمی، فاعل، پذیرا آنها [مجموعه اسمی، مفعول، کنش‌پذیر بمب‌های هوایی خود را] [مجموعه حرف اضافه، مفعول حرف اضافه، مبدأ از آمریکا و روسیه] می‌گرفت [سند مطابقت با فاعل].
۷	

همان‌طور که در جدول (۴) مشاهده می‌گردد فعل «گرفتن» همواره دارای دو گروه اسمی است یکی در نقش پذیرا و دیگری در نقش کنش‌پذیر است که این دو نقش در ساختار جمله نیز به چشم می‌خورد و از طریق آنها می‌توان درک مفهومی کاملی از آن فعل به دست آورد. عنصر معنایی پذیرا به دلیل نقش فاعلی می‌تواند حذف گردد و فاعل

محدوف جمله باشد؛ زیرا نقش فاعلی را شناسه متصل به فعل که در تطابق با فاعل محدود است همواره نشان می‌دهد؛ بنابراین الگوی اجزای هسته فعل «گرفتن»، پذیرا+ کنش‌پذیر+ فعل است. مبدأ یعنی ارسال‌کننده در بین اجزاء غیر هسته قرار دارد؛ زیرا در بسیاری از جملات پیکره گردآوری شده باوجود اینکه مبدأ بیان نگردیده است، همچنان یک مفهوم کاملی از فعل را در اختیار داریم؛ بنابراین نمی‌توان مبدأ را درون اجزاء هسته فعل «گرفتن» قرار داد بلکه جایگاه آن در بخش اجزاء غیر هسته قرار دارد.

نمودار (۲): قالب فعل «گرفتن» به معنی دریافت کردن



در نمودار (۲) فعل گرفتن متواتر از قالب «ردوبدل کردن» به معنی ارسال و دریافت کردن چیزی است. فرایند ارسال و دریافت برای چنین فعلی شامل محرک-یکسویه است که یک چیز یا شیء ملموس را ردوبدل می‌نمایند. بدین صورت که یک چیز یا شیء ملموس توسط یک شخص دریافت می‌گردد؛ بنابراین برای واحدهای واژگانی که در این قالب قرار گرفته است، علاوه بر کنش‌پذیر تنها یکی از مشارکان (گیرنده) نقطه تمرکز فعل است. با توجه به اینکه فعل «گرفتن» یک فعل چندمعنایی است، اگر به این فعل معنی «خریدن» و پرداختن پول بابت چیزی که دریافت می‌کنیم باشد، قالب معنایی و قالب‌های فرعی دیگری را نیز شامل می‌شود که با قالب «گرفتن» در نمودار (۲) متفاوت است. از طرف دیگر در فعل «گرفتن» با قالب معنایی «محرک دوسویه» دو طرف معامله جهت ردوبدل کردن، فعال می‌شوند. باوجود این تفاوت‌ها وجوه اشتراکی نیز در بین این دو قالب دیده می‌شود که باعث درک مفهوم «خریدن» از کاربرد فعل «گرفتن» می‌گردد. مثال‌های ۱۹-۲۱ مفهوم خریدن را در سه واحد واژگانی «گرفتن»، «خریدن» و «معامله کردن» نشان می‌دهند.

(۱۹) [برای کودکان بی‌سرپرست بهره‌ور] [لوازم تحریر کنش‌پذیر] خریدم [م پذیرا].

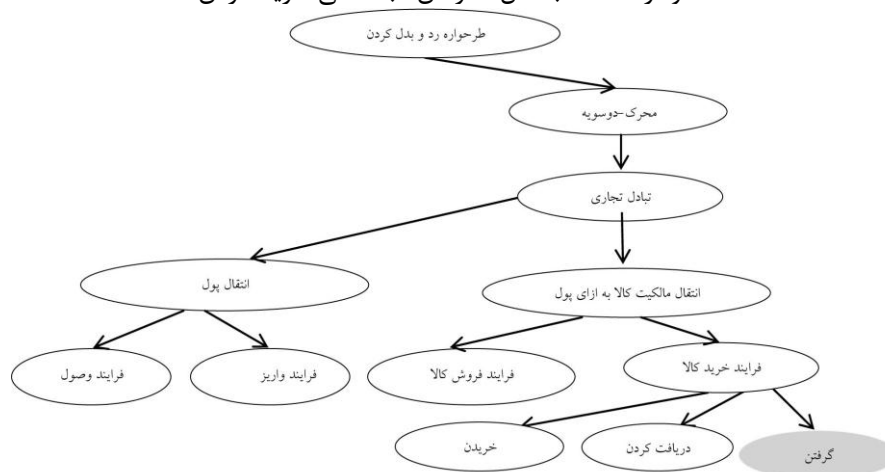
(۲۰) [سه کیسه برنج کنش‌پذیر] [از چهارشنبه‌بازار مبدأ] گرفتم [م پذیرا].

(۲۱) [دیروز زمان] [این گوشی موبایل کنش‌پذیر] را معامله کردم [م پذیرا].

مثال‌های ۱۹-۲۱ کاربرد واحدهای واژگانی «خریدن»، «معامله کردن» و «گرفتن» در قالب «گرفتن» دارای مفهوم ردوبدل کردن به ازای پول (خریدن) را نشان می‌دهند.

اگرچه مبدأ (فروشنده) در جملات ۱۹ و ۲۱ بیان نشده است اما مفهوم جمله نشان‌دهنده این است که به ازای دریافت کنش‌پذیر چیزی به مبدأ پرداخت شده است؛ بنابراین با توجه به نقش‌های معنایی ذکرشده، هر سه واحد واژگانی «خریدن»، «گرفتن» و «معامله کردن» در یک قالب مفهومی یکسان قرار می‌گیرند. جایگاه واحدهای واژگانی مذکور و قالب مرتبط به آنها در نمودار (۳) نشان داده شده است. در نمودارهای (۲ و ۳)، دو واژه «گرفتن» از دو قالب معنایی مختلف نشان داده شده است که هر کدام متوارث از یک قالب متمایز است. «گرفتن» به معنی «تحویل گرفتن» متوارث از قالب معنایی «ردوبدل» و در پی آن «محرک-یکسویه» است. در حالی که «گرفتن» به معنی «خریدن» متوارث از قالب معنایی «انتقال مالکیت کالا» و در پی آن «فرایند خرید کالا» و «محرک-دوسویه» است. نمودار (۲) نشان می‌دهد که «گرفتن» در مفهوم «خریدن» از قالب‌های متفاوتی با «گرفتن» در مفهوم «دریافت کردن» نشأت نمی‌گیرد؛ زیرا سرچشمه قالب «انتقال مالکیت کالا» نیز از قالب «تبادل تجاری» است و در نمودارهای موجود وجود رابطه معنایی ما بین این قالب‌ها کاملاً مشهود است.

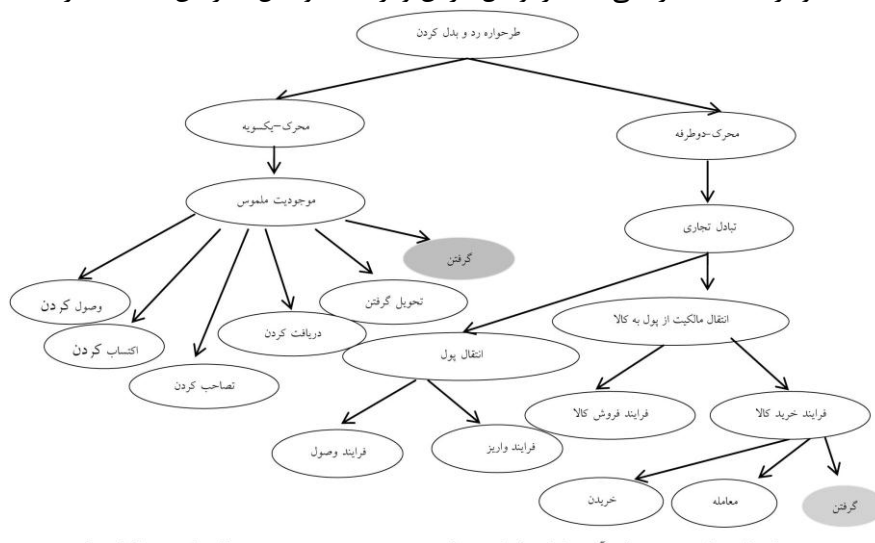
نمودار (۳): قالب فعل «گرفتن» به معنی خرید کردن



در دو نمودار (۲) و (۳) ساختار قالب فعل «گرفتن» در دو مفهوم مختلف ترسیم شده است. رسم جداگانه نمودارها به معنی عدم ارتباط معنایی میان این دو فعل نیست. در واقع دو مفهوم فعل «گرفتن» با یکدیگر ارتباط معنایی دارند که اگر دو نمودار را به یکدیگر متصل نماییم، به راحتی متوجه ارتباط معنایی این دو فعل «گرفتن» خواهیم شد. ساختار کلی بیان شده در نمودارهای فوق که به صورت نمودار (۴) ترسیم

می‌شود، ارتباط میان این دو فعل را در دو معنی ذکر شده با یکدیگر به تصویر می‌کشد. نمودار (۴) نشان می‌دهد که آنچه فعل «گرفتن» را در دو مفهوم «خریدن» و «دریافت کردن» قابل درک می‌نماید، وجود اجزاء هسته یکسان در این دو قالب می‌باشند که منشأ آن قالب والدین «طرح‌واره ردوبدل کردن» است. یکسانی اجزاء هسته در بین دو مفهوم باعث گردیده که تفاوت‌های مربوط به قالب‌های زیرین مانع درک ارتباط معنایی بین دو این مفهوم نشوند.

نمودار (۴) ساختار کلی قالب ردوبدل کردن و ارتباط دو فعل «گرفتن» با یکدیگر



با توجه به نمودار (۴) دو فعل «گرفتن» دارای ارتباط معنایی با یکدیگر هستند. فیلمور (۱۹۸۲) معتقد است که برای فهم ساختار معنایی فعل، درک ویژگی‌های صحنه‌های طرح‌واره‌ای آن ضروری است. قالب‌ها نقش‌های موقعیتی را نشان می‌دهند و فعالی که دارای طرح‌واره و نقش‌های موقعیتی مشترک هستند دارای مفاهیم مرتبط با یکدیگر می‌باشند (پتروک، ۱۹۹۶)؛ بنابراین دانستن معنی هر یک از افعال «گرفتن» مستلزم دانستن معانی قالب‌های «تبادل تجاری»، «محرک-یکسویه»، «محرک دو سویه» و اجزای هسته و غیر هسته آن‌هاست که از طریق نقش‌های موقعیتی موجود در ذهنی قابل درک است. قالب‌ها مفاهیم ذهن بشر را تشکیل می‌دهند و باعث می‌شوند که افراد ارتباط معانی را با یکدیگر درک نمایند. دانش و تجربه‌ای که به وسیله قالب «تبادل تجاری» فراهم می‌شود، پیش‌زمینه و انگیزه را برای بازنمایی و درک مفهوم

واحدهای واژگانی ایجاد می‌نماید و از طرف دیگر، واحدهای واژگانی، قالب را در ذهن گوینده یا شنونده برمی‌انگیزانند.

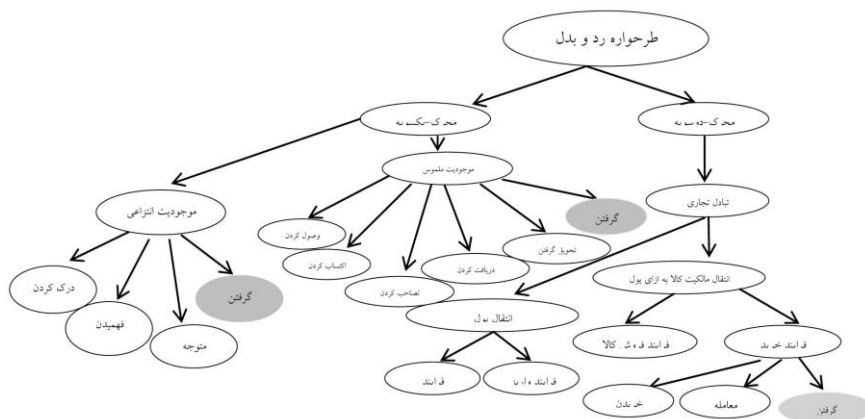
در مثال (۲۲) مفهوم دیگری از فعل «گرفتن» بیان گردیده است که با دو مفهوم نمودار (۲ و ۳) فعل «گرفتن» تفاوت معنایی دارد.

(۲۲) [منظورت کنش‌پذیر] روگرفت- [م پذیرا].

(۲۳) [بعد از ساعت‌ها زمان قصه بافتن زمان] [داستان کنش‌پذیر] را گرفت- [م پذیرا].

مثال (۲۲) به معنی «منظورت رو متوجه شدم» است. همان‌طور که از مفهوم جمله مشخص است، یک نفر کلامی بیان نموده است و مخاطب معنی کلام او را درک کرده است؛ اما آنچه ردوبدل شده و مخاطب دریافت کرده، دارای موجودیت ملموس نیست بلکه منظور و هدف گوینده است که توسط مخاطب دریافت شده است. در مثال (۲۳) نیز کلمه «داستان» نشان‌دهنده منظور و هدف بیان چیزی است که دارای موجودیت انتزاعی است؛ بنابراین فعل «گرفتن» در مفهوم «درک کردن» نیز همواره دارای اجزاء هسته پذیرا و کنش‌پذیر (انتزاعی) است که باعث قابل درک شدن این فعل در مفهوم جدید می‌گردد. در نمودار (۵) قالب معنایی فعل «گرفتن» به معنی «درک کردن» را و قالب‌های بالاتر آن ترسیم شده است.

نمودار (۵) قالب معنایی فعل «گرفتن» به معنی «درک کردن»



همان‌طور در نمودار (۵) مشاهده می‌شود افعال «گرفتن» در سه معنی بیان شده، دارای رابطه معنایی با یکدیگر می‌باشند. این سه فعل علی‌رغم تفاوت‌هایی که در هنگام کاربرد در جملات دارند، دارای ویژگی‌های مشترکی نیز می‌باشند که آنها را به یکدیگر مرتبط کرده است. ویژگی مشترک این سه مفهوم فعل «گرفتن» در اجزای هسته «ردوبدل

کردن» است. فیلمور (۱۹۴۷) معتقد است که هنگامی که فرد بر اساس ویژگی‌های موقعیتی، طرح‌واره‌ها و قالب‌ها، اجزای هسته مفهومی را می‌شناسد، درک سایر مفاهیم مرتبط، از طریق ایجاد ارتباط میان سایر قالب‌ها تسهیل می‌گردد؛ بنابراین درک فعل «گرفتن» به معنی «درک کردن» کار دشواری به نظر نمی‌رسد. چراکه اجزاء هسته آن با اجزاء هسته فعل «گرفتن» در مفاهیم «خریدن» و «دریافت کردن» یکسان است. به دلیل مجزا بودن جایگاه قالب‌های «گرفتن» در سه معنی مذکور از یکدیگر در ضمن وجود ارتباط بین آنها، نظریه معنی‌شناسی قالبی به دنبال اثبات رابطه معنایی در کلمات چندمعنا است و می‌تواند در ایجاد نظام‌های رفع ابهام معنایی کمک شایان توجهی نماید (فیلمور، ۱۹۴۷). از این رو برنامه‌های بسیاری جهت رفع ابهام معنا در سامانه‌های رایانه‌ای صورت گرفته است که بسیاری از آنها برگرفته از نظریه فیلمور (۱۹۷۷، ۱۹۷۶، ۱۹۸۲، ۱۹۸۵) و نظریه قالبی مینیسکی (۱۹۷۵) بوده است.

۵- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در ارتباط با بررسی چندمعنایی فعل «گرفتن» در سه مفهوم «دریافت کردن»، «خریدن» و «درک کردن» و ارتباط میان این مفاهیم است. در این پژوهش تعاریف فعل و اجزاء قالب هسته و غیر هسته ابتدا مشخص گردید و سپس جملاتی که این افعال در آن کاربرد داشتند مورد بررسی قرار گرفتند و روابط میان قالب‌ها مشخص شد. در نهایت نمودار قالبی هر یک از مفاهیم همراه با قالب‌های مرتبط ترسیم گردید و رابطه میان این قالب‌ها مشخص شد. شواهد به دست آمده حاکی از این است که بسیاری از قالب‌ها در افعال چندمعنا از جنبه‌های مختلف و در قالب‌های متفاوت با یکدیگر اشتراک دارند. از طریق شبکه معنایی قالب‌بنیاد افعال زبان، می‌توان به مفهوم طرح‌واره‌ای فعل دست‌یافت و ارتباط آنها را با سایر افعال درک نمود. نمودارهای ۲ و ۳ خلاصه‌ای از دو قالب معنایی را که دارای صورت یکسان فعلی و مفهوم چندتایی هستند به تصویر کشید و رابطه آنها را با سایر قالب‌های معنایی نشان داد. این رابطه همان چیزی است که در ذهن اهل زبان نقش بسته است و باعث ارتباط مفاهیم مختلف به یکدیگر می‌گردد. فعل «گرفتن» یک فعل با چندین معنا و چند قالب متفاوت است و البته در برخی از معانی دارای طرح‌واره مشترک بوده که در شبکه قالب‌بنیاد افعال دارای طرح‌واره مشترک، در زیر یک قالب قرار می‌گیرد و یک قالب معنایی مشترک را تشکیل می‌دهد؛ مانند گرفتن، تحویل گرفتن، دریافت کردن، اکتساب کردن و غیره. بر طبق فرضیات مطرح‌شده در مقاله اثبات گردید که میان مفاهیم مختلف افعال چندمعنا،

ارتباط معنایی وجود دارد و اجزاء قالب‌های معنایی در تعیین مفاهیم یک فعل نقش عمده‌ای ایفا می‌نماید و باعث ارتباط معانی و درک بیشتر مفاهیم بیان‌شده از طریق افعال چندمعنا می‌گردند.

پی‌نوشت

۱. پروژه ساخت شبکه معنایی قالب‌بنیاد فعل زبان فارسی (VFN) که توسط نگارنده این مقاله در حال انجام است، ۲۰۰ فعل را در بیش از ۱۰۰۰ جمله برگرفته از شبکه‌های اجتماعی مورد بررسی قرار داده و ۷۰ قالب را برای افعال زبان فارسی در مرحله اولیه ایجاد کرده است. دستاوردهای این پروژه (هم‌اکنون در حال ساخت است) موارد زیر خواهد بود: ۱) یک منبع واژگانی بر اساس معانی قالبی آنها خواهیم داشت که تحت عنوان شبکه معنایی قالب‌بنیاد افعال (Verb-FrameNet-VFN) معرفی می‌گردد. ۲. نرم‌افزار مربوط به VFN که شامل توصیفی ساختار مفاهیم پایه و توصیفی از عناصر شرکت‌کننده در این قالب‌ها است که در پردازش زبان طبیعی بسیار مفید است.

منابع

- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران، سخن.
- دبیرمقدم، محمد (۱۳۸۹). *زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی*. ویراست دوم. چاپ چهارم، سمت.
- شریف، بابک (۱۳۹۴). بررسی شناختی افعال سبک در زبان فارسی. رساله دکتری زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان.
- حسابی، اکبر (۱۳۹۵). قالب‌های معنایی «خوردن» از منظر معناشناسی قالبی. *مجله زبان و زبان‌شناسی*. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. د. ۱۱، ش. ۲۲، بهار و تابستان
- صفوی، کوروش (۱۳۸۰). نگاهی تازه به مسئله چندمعنایی واژگانی. *نامه فرهنگستان*. د. ۵، ش. ۲. صفحات ۵۰-۶۷
- عموزاده، محمد و بهرامی، فاطمه (۱۳۹۱). ساخت افعال سبک بر اساس زبان‌شناسی شناختی. *جستارهای زبانی*. د ۳. ش ۴ (۱۲): ۱۶۹-۱۹۱
- عموزاده، محمد و سلطانی، رضا (۱۳۹۱). رویکردی شناختی به چندمعنایی: مطالعه موردی فعل حرکتی آوردن. *مجموعه مقالات سومین هم‌اندیشی معناشناسی (به کوشش سپیده عبدالکریمی)*. تهران: نشر نویسه پارسی: ۲۵۶-۲۳۳
- عموزاده، محمد؛ کریمی‌دوستان، غلامحسین و شریف، بابک (۱۳۹۵). شبکه معنایی فعل گرفتن بر اساس انگاره چندمعنایی اصول‌مند. *پژوهش‌های زبانی*. شماره ۱، بهار و تابستان
- فیاضی، مریم سادات (۱۳۸۸). بررسی چندمعنایی در زبان فارسی. رویکردی شناختی. رساله دکتری. دانشگاه تربیت مدرس.
- فیاضی، مریم سادات؛ کردزعفرانلو کامبوزیا، عالیه؛ گلفام، ارسلان؛ افراشی، آرزیتا و آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۷). خاستگاه استعاری افعال حسی چندمعنا در زبان فارسی از منظر شناختی. *مجله ادب پژوهی*. ش. ۶: ۱۱۰-۶۷

- کریمی‌دوستان، غلامحسین، زهرا روحی بایگی (۱۳۹۵). «بررسی چندمعنایی فعل سبک «زدن» از دیدگاه شناختی». *جستارهای زبانی*. د. ۷، ش. ۳.
- گلفام، ارسلان؛ بهرامی خورشید، سحر و آری ورهاگن (۱۳۹۱). فضای معنایی فعل شدن در زبان فارسی: رویکرد شناختی. *جستارهای زبانی*. د. ۲، ش. ۴(۸): ۱۶۷-۱۴۵.
- نائب، فاطمه (۱۳۹۳). بررسی واژه‌های عواطف در حوزه‌های شادی و علاقه در چارچوب نظری قالب‌های معنایی: شبکه قالب‌بنیاد (فریم نت) در زبان فارسی (www.FrameNet.ir). رساله ارشد. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- Baker, C. 2014. FrameNet: A Knowledge Base for Natural Language Processing. a Workshop in Honor of Chuck Fillmore (1929–2014). Baltimore, Maryland. USA. pages 1–5
- Fillmore, C. J. 1975. An alternative to checklist theories of meaning. In *Proceedings of the First Annual Meeting of the Berkeley Linguistics Society*, Berkeley: Berkeley Linguistics Society, pp. 123-131.
- Fillmore, C. J. 1976. Frame semantics and the nature of language. In *Annals of the New York Academy of Sciences: Conference on the Origin and Development of Language and Speech*, volume 280, pages 20–32.
- Fillmore, C. J. 1977b. Topics in lexical semantics. In *Current Issues in Linguistic Theory*, ed. by Roger Cole, 76-138. Bloomington: Indiana University Press.
- Fillmore, C. J. 1982.b. Frame semantics. In *The Linguistic Society of Korea*, eds. Linguistics in the Morning Calm. Seoul: Hanshin. 111-37.
- Fillmore, C. J. 1985a. Frames and the semantics of understanding. *Quaderni di Semantica* 6 (2), pp. 222-254.
- Filmore, C.J. Baker, C.F. Low, J. 1947. The Berkeley Framenet Project. *International Computer Science Institute*. Berkeley, Calif.
- Fillmore, C. J., Baker C. F. and Ruppenhofer. J. 2002. "The FrameNet Database and Software Tools". In *International Computer Science Institute*. Berkeley, CA 94704-1198, USA.
- Filmore, C. Baker, C. F. 2009. *A Frame Approach to Semantics Analysis*. Typeset by Spi, Chennai.
- Horford, J. R. and Heasley, B. 1983. *Semantics, A Course book*, Camb. Univ. Press.
- Levin, B. 2011. Lexical Conceptual Structure', in K. von Heusinger, C. Maienborn, and P. Portner, eds. *Semantics: An International Handbook of Natural Language Meaning I*, Mouton de Gruyter, Berlin, 418-438.
- Miller, G. A, and C. Fellbaum. 1991. Semantic networks of English, *Cognition*, 41:197-229.
- Minsky, M. 1975. A framework for representing knowledge, *The Psychology of computer Vision*, MIT press, (19)2.
- Petruck, M. 1996. Frame Semantics. In Östman J-O, J. Blommaert, C. Bulcaen (eds.), *Handbook of Pragmatics*. Amsterdam/Philadelphia, Benjamins, 1-13.

- Petrucc, M. 2013. Advances in Frame Semantics. In M. Fried and K. Nikiforidou. *Advances inFrame Semantics* Amsterdam/Philadelphia, Benjamins, 1-12.
- Palmer, R. F. 1976. *Semantics, A New Outline*, Camb. Univ. Press
- Ruppenhofer, J.; 2013. Sentiment analysis in frame semantics. *Veredas*, 66-81.
- Ruppenhofer, J. Ellsworth, M. petruk, M. & Scheffczyk, J. 2010. Printed sebtember 14.
- Tyler, A. and Evans, V. 2001. Reconsidering prepositional polysemy networks: the case of *over Language*, 77, 4:724–65.